

رامین پرنو

تنش در دو سوی آتلانتیک حالا وارد دور جدیدی شده و به نوعی یک روند صعودی را سیر می کند که به زعم بسیاری از تحلیل‌ها و داده‌های موجود می‌تواند سراسر آغاز یک واقعه مهم باشد؛ واقعه‌ای که احتمال جدایی ایالات متحده از ناتو و همچنین تصمیم مستقل اروپایی را در بطن خود دارد.

آنچه باعث شده در شرایط کنونی اختلاف میان کشورهای اروپایی و ایالات متحده تا حد زیادی در قالب ناتو تشدید شود، پرونده تنگه هرمز و جنگی است که واشنگتن و اسرائیل علیه ایران به راه انداختند. این اختلاف را به صورت کلی باید در دو پرده تشریح کرد. پرده اول در خواست مداخله ترامپ از ابتدای جنگ از ناتو برای ورود به خلیج فارس و شرکت در جنگ علیه ایران بود که با مخالفت‌های گوناگون کشورهای اروپایی روبرو شود. اما پرده دوم از این اختلافات زمانی نمایان شد که آتش بس میان ایالات متحده و ایران برقرار شد و سپس مذاکرات بدون نتیجه میان ایران و آمریکا پایان پیدا کرد و ترامپ محاصره دریایی ایران را در دستور کار قرار داد.

دریایی ایران را در دستور کار قرار داد. دست دارد، بر این عقیده بود که می‌تواند با اعمال فشار و تهدید علیه کشورهای اروپایی، اعضای ناتو را وارد مجادله با ایران با مرکزیت تنگه هرمز کند اما مواضع دولت‌های اروپایی در این راستا دقیقاً بر خلاف خواسته‌های وی پیش رفت و

**ترامپ اخیراً متحدان اروپایی را «ترسو» خواند و ناتورا «ببر کاغذی» نامید. در این زمینه، الکساندر اشتوب، رئیس‌جمهور فنلاند(از طراحان طرح ناتوی اروپایی) گفته‌است که تغییر بار از دوش آمریکا به سمت اروپا در جریان است و باید به شکلی مدیریت شده و کنترل شده انجام شود، نه با خروج ناگهانی آمریکا**

هیچکدام از اعضای ناتو تا به این لحظه حاضر نشدند بر اساس میل ترامپ عمل کنند.

**ناتوی اروپایی در راه است؟**

کشورهای اروپایی بر این عقیده‌اند که نباید وارد جنگ باسانرویی جنگی شوند که ترامپ بدون اطلاع و مشورت با آنها اقدام به کلید زدن آن کرده و حال‌انه تنها جریان صادرات انرژی مورد نیاز اروپا را خلل وروبرو کرده، بلکه مشکلات جدی در خصوص رسیدن کالاهای اساسی به قاره سبز رخ داده است. بر این اساس مقامات اروپایی تمام این ضرور زیان‌های به‌وجود آمده را حاصل یکجانبه‌گرایی سیاسی و نظامی ترامپ می‌دانند و نمی‌دانند در این شرایط بحرانی آینده جنگ با ایران چه می‌شود؛ چرا که آنها ترامپ را از منظر اتخاذ مواضع رسمی، دارای ثبات کلام، رفتار و تصمیم‌گیری نمی‌دانند و همین موضوع آنها را نه تنها در مورد جنگ با ایران، بلکه در قبال رهبری ترامپ با ایالات متحده در قبال ناتو باشک و تردید عمیق و چند لایه مواجه کرده‌است.

بر این اساس اروپا در حال بررسی طرح جایگزینی است که این قاره را قادر می‌سازد در صورت خروج آمریکا از ناتو با استفاده از ساختارهای نظامی موجود ناتو از خود دفاع کند و گفته شده که این طرح پس از جلب موافقت آلمان که پیشتر مخالف سرسخت نامین مستقل امنیت بود، در حال پیشرفت است. روزنامه وال استریت ژورنال در این خصوص نوشته است مقاماتی که روی این طرح موسوم به «ناتوی اروپایی» کار می‌کنند به دنبال آن هستند که اروپایی‌های بیشتری را به نقش‌های فرماندهی و کنترل ناتو بگمارند و داریی‌های نظامی آمریکا را با تجهیزات اروپایی تکمیل کنند.

به گفته هدایت‌کنندگان این طرح که به‌طور غیر رسمی و در حاشیه نشست‌های ناتو پیش برده می‌شود، قصد رقابت با ائتلاف فعلی را ندارد و هدف مقامات اروپایی حفظ بازدارندگی

**در قاره سبز علیه یکجانبه‌گرایی ترامپ، قوای مستقل دفاعی در حال شکل‌گیری است**

# جنگ ایران؛ پیشران نامنتظر ناتوی اروپایی



در برابر روسیه، تداوم عملیاتی و اعتبار هسته‌ای، حتی در صورت خروج نیروهای واشنگتن از اروپا یا سر باز زدن آن از دفاع اروپا است. این در حالست که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا

این طرح که نخستین بار سال گذشته مطرح شد، نشان‌دهنده عمق نگرانی

اروپا از قابل اعتماد نبودن آمریکا است. روند اجرائی آن پس از تهدید ترامپ برای تصرف جزیره خودمختار گرینلند از دانمارک به‌عنوان یکی از کشورهای عضو ناتو شتاب گرفت و اکنون در پی خودداری اروپا از حمایت از جنگ آمریکا در ایران بر فوریت آن افزوده شده‌است.

**آلمان، مو تور محرک ناتوی اروپایی**
نکته بسیار مهم در خصوص این طرح، موضع آلمان است. تغییر موضع سیاسی بی‌سابقه در برلین امری است که به پیشبرد این طرح شتاب بخشیده‌است.

اخیرا گفته‌است که نقش اروپا در رهبری این ائتلاف تقویت خواهد شد.

نکته دیگر این است که اروپایی‌ها به دلیل خصومت فزاینده ترامپ و نه به خاطر تحریک آمریکایتکار عمل را در دست گرفته‌اند. ترامپ اخیراً متحدان اروپایی را «ترسو» خواند و ناتو را «ببر کاغذی» نامید. در این زمینه، الکساندر اشتوب، رئیس‌جمهور فنلاند (از طراحان طرح) گفته است که «تغییر بار از دوش آمریکا به سمت اروپا در جریان است و باید به‌شکلی مدیریت‌شده و کنترل‌شده انجام شود، نه با خروج ناگهانی آمریکا».

با توجه به این تفسیر و اظهارات مقامات اروپایی، شمار فزاینده‌ای از پست‌های فرماندهی کلیدی ناتو در اختیار اروپایی‌ها است و بسیاری از رزمایش‌های اخیر و آتی توسط نیروهای اروپایی رهبری می‌شوند. اما حرفه‌های دشواری در زمین اطلاعات و بازدارندگی هسته‌ای وجود دارد. تغییر موضع آلمان راه را برای حساس‌ترین عنصر دفاع مستقل اروپا یعنی جایگزینی چتر هسته‌ای آمریکا باز کرده‌است؛ به گونه‌ای که پس از تهدید ترامپ به حمله به گرینلند، مرس و «امانوئل ماکرون» رئیس‌جمهور فرانسه درباره توسعه بازدارندگی هسته‌ای فرانسه با دیگر کشورهای اروپایی از جمله آلمان گفت‌وگو کردند.

به هر ترتیب در حالی که اقدامات اروپا در این راستا نشان‌دهنده تغییر در دیدگاه این کشورها است، بی‌بردن به چگونگی تحقق این ایده بلندپروازانه دشوار خواهد بود. فرماندهی متحدان اروپایی همواره با آمریکا بوده‌است و مقامات آمریکایی گفته‌اند که دیگر قصدی برای تصدی این سمت ندارند. از طرفی، هیچ کشور اروپایی نیز صلاحیت جایگزینی فرماندهی عالی متفقین در ناتو را ندارد؛ چرا که این کشورها تنها می‌توانند چتر حمایتی قاره‌ای را ارائه دهند که پشتیبان اصل اساسی بازدارندگی دوجانبه از طریق قدرت در ائتلاف ناتو است.

لذا اگرچه اروپایی‌ها شروع به تصدی نقش‌های رهبری و فرماندهی بیشتری کرده‌اند اما هنوز فاقد توانمندی کافی به‌دلیل چندین سال انکابه آمریکا هستند و باید دید سناریو ناتوی اروپایی به کجامی‌رسد؟

خبر

## استیضاح وزیر جنگ آمریکا با پنج اتهام کلید خورد



گزارش‌ها حاکی از آن است که دموکرات‌های مجلس نمایندگان ایالات متحده روز چهارشنبه طرحی شامل پنج ماده استیضاح علیه وزیر دفاع، پنت‌هگست، ارائه خواهند کرد؛ اقدامی که هر چند شانس کمی برای تصویب در کنگره فعلی دارد، اما نشان‌دهنده تشدید فشار سیاسی بر دولت دونالد ترامپ است. این اقدام در شرایطی صورت می‌گیرد که پیش‌تر کریستی نولم از سمت خود کنار گذاشته شده و پم‌پاندی نیز از مقامش برکنار شده‌است؛ تحولاتی که تمرکز دموکرات‌ها را بیش از پیش بر عملکرد هگست افزایش داده‌است. به گزارش ایندیندنت، بر اساس پیش‌نویس این

به نقض قوانین بین‌المللی از طریق هدف قرار دادن غیر نظامیان متهم می‌کند. در این بخش به حمله‌ای به یک مدرسه ابتدایی دخترانه در میناب اشاره شده که بنا بر گزارش‌های اولیه، احتمالاً توسط آمریکا انجام شده و بیش از ۱۷۵ کشته، از جمله کودکان، بر جای گذاشته‌است. در ماده سوم، موضوع «سیگنال‌گیت» مطرح شده؛ جایی که هگست متهم است اطلاعات حساس نظامی را به‌صورت غیر مسئولانه در یک گروه

چت در اپلیکیشن سیگنال به‌اشتراک گذاشته‌است. در این گروه، مقام‌های مانند جی‌دی ونس و مار کورویویو حضور داشتند و به‌طور تصادفی جفری گلدبرگ نیز به آن اضافه شده بود. دو ماده دیگر نیز به «عدم ارائه اطلاعات کامل و به‌موقع به کنگره» و «خدشه‌دار کردن اعتبار نیروهای مسلح آمریکا» اختصاص دارد. پنتاگون این اقدام را رد کرده و آن را تلاشی سیاسی برای «جلب توجه رسانه‌ای» و توصیف کرده‌است. هگست متهم شده که بدون کسب مجوز از کنگره، حملات نظامی علیه ایران را آغاز کرده و با این اقدام، جان نیروهای آمریکایی را به خطر انداخته‌است. همچنین این عملیات «فاقد اهداف مشخص» توصیف شده‌است. ماده دوم، او را

خبر

## ارائه پیشنهاد سومالی‌لند به واشنگتن برای احداث پایگاه نظامی در بربره



گزارش‌های رسانه‌ای آمریکایی از پیشنهادی خبر دادند که منطقه سومالی‌لند به ایالات متحده ارائه کرده و در آن امکان احداث یک پایگاه نظامی در بندر استراتژیک بربره مطرح شده‌است؛ اقدامی که می‌تواند حضور آمریکا در منطقه شاخ آفریقا را تقویت کند. پیشنهاد این پایگاه در بحبوحه بی‌ثباتی در یانوردی و حملات ارتش پسن و افزایش توجه بین‌المللی به منطقه شاخ آفریقا مطرح شده‌است. به گزارش شبکه «فاکس نیوز»، این پیشنهاد شامل ایجاد تأسیسات دریایی و هوایی در بندر بربره است که در مجاورت یکی از مهم‌ترین مسیرهای کشتیرانی

## مخالفت وزارت خارجه سودان و نیروهای حامی خارطوم با کنفرانس برلین



وزارت امور خارجه سودان در بیانیه‌ای رسمی، مخالفت قاطع خود را با کنفرانسی که توسط دولت آلمان در برلین درباره آن کشور سازماندهی شده‌است، ابراز داشت. خارطوم این اقدام را نادیده گرفتن حاکمیت کشور و تلاش برای تثبیت رویکرد «قیمومیت استعماری» توصیف کرد. در بیانیه وزارت امور خارجه سودان تأکید شده‌است که برگزاری چنین

جهان نما

راشاتودی پاسخ داد:

### چرا نتانیاهو برقراری صلح در خاورمیانه را بر نمی‌تابد؟

اسرائیل آشکارا در حال بررسی تصرف اراضی جدید در لبنان است و این وضعیت نشان می‌دهد که کاهش تنش حتی یک‌گزینه هم نیست. شبکه خبری راشاتودی در گزارشی نوشت: جنگ اسرائیل به درجه‌ای رسیده که دیگر ادعای حملات دقیق به زیرساخت‌های نظامی معنی ندارد. مقیاس عملیات، عمق پیشروی در جنوب، تخریب پل‌ها و محله‌های مسکونی، حملات گسترده به بیروت و گسترش مداوم منطقه به اصطلاح حائل، همگی نشان می‌دهد که این حملات صرفاً یک تلاش تاکتیکی برای مهار حزب‌الله نیست بلکه تلاشی برای تغییر شکل واقعیت نظامی و سیاسی جنوب لبنان برای سال‌های آینده است.

اسرائیل این اقدامات را به عنوان ایجاد یک کمربند امنیتی تا رودخانه لیتانی توصیف می‌کند. با این حال، در زبان منطقه، این وضعیت به‌طور متفاوتی تعبیر می‌شود. این وضعیت مسیری به سوی کنترل بلندمدت منطقه، تخلیه جمعیت نوار مرزی و ایجاد واقعیت‌هایی در میدان است که معکوس کردن آن بسیار دشوار خواهد بود. مرحله جدید جنگ در دوم مارس و زمانی که حزب‌الله پس از حملات آمریکا و اسرائیل به ایران و ترور آیت‌الله علی‌خامنه‌ای، به سمت اسرائیل آتش‌گشود آغاز شده‌است. اسرائیل با یک عملیات هوایی گسترده علیه لبنان پاسخ و سپس عملیات زمینی خود را در جنوب گسترش داد.



تا اواخر ماه مارس، وزیر جنگ اسرائیل آشکارا قصد خود را برای تصرف جنوب لبنان تا رودخانه لیتانی به عنوان یک منطقه امنیتی اعلام کرده‌بود. پس از آن، حملاتی به پل‌ها، تخریب خانه‌ها در روستاهای مرزی و دستور تخلیه ساکنان جنوب رودخانه صورت گرفت. اندکی پس از آن، اسرائیل در حال ساخت استحکامات جدید و تخریب روستاها بود. ماشین جنگ اسرائیل دیگر ماهیت بلندمدت عملیات را پنهان نمی‌کرد. این یک حمله نبود. این یک پروژه تصرف ارضی با بهانه مبارزه با حزب‌الله بود.

اسرائیل همچنان اصرار دارد که اقداماتش برای دور کردن حزب‌الله از مرز، محروم کردن آن از توانایی شلیک به شمال اسرائیل و ایجاد یک مانع عمیق ضروری است اما مقامات نظامی و کارشناس به‌طور یکسان در مورد دکتربن جدید «جنگ ابدی» اسرائیل صحبت می‌کنند که در آن درگیری یک وضعیت نیمه‌دائمی است و مناطق حائل نه تنها در لبنان، بلکه در غزه و سوریه نیز ایجاد می‌شود.

برای نتانیاهو و ائتلاف راست‌گرای او، جنگ نه تنها به ابزاری برای سیاست خارجی، بلکه به شرط بقای سیاست داخلی نیز تبدیل شده‌است. نتانیاهو می‌خواهد از انتخابات زودهنگام که احتمالاً در آن شکست خواهد خورد، اجتناب کند و جنگ باعث می‌شود تا توجه عمومی از شکست‌ها و بحران‌های داخلی به سمت دیگری سوق پیدا کند. نظر سنجی‌ها اما تقویت سیاسی عمده‌ای برای او نشان نمی‌دهند، با این حال جنگ همچنان چیزی را به او می‌دهد که آتش‌بس نمی‌تواند.

این جنگ به‌او اجازه داد تا دستور کار امنیتی محور را حفظ کند. فشار مخالفان را به تأخیر بیندازد و لحظه تسویه حساب سیاسی مستقیم را به تعویق بیندازد. اگر جنگ متوقف شود، سوالات ناراحت‌کننده همچنان باقی خواهند ماند: چرا چنین تخریب گسترده‌ای ضروری تلقی شد؟ چرا به اهداف اعلام شده دست نیافتیم؟ و در مورد فرسایش سیاسی خود نتانیاهو چه باید کرد؟ در واقع، اسرائیل در تلاش است تا حق شرکت در مذاکرات بر سرر یک معماری جدید منطقه‌ای را برای خود تضمین کند، در حالی که هم‌زمان به تغییر شکل فضا‌های همسایه با زور ادامه می‌دهد. این فرمول برای دولت نتانیاهو مناسب است، اما تقریباً باعث یک درگیری طولانی مدت در منطقه می‌شود.

از طرفی بایدنکه ایالات متحده هم بیروت و هم اسرائیل را تحت فشار قرار می‌دهد تا یک چارچوب مذاکره ایجاد کنند اما هیچیک از اینها به این معنی نیست که حزب‌الله شکست خورده‌است یا ارتش اسرائیل به اهداف خود رسیده‌است. برعکس، همین نیاز به ساخت منطقه حائل، ویران کردن روستاها و تخریب پل‌ها نشان می‌دهد که اسرائیل نمی‌تواند از طریق یک حمله نظامی معمولی به امنیت پایدار دست یابد. اسرائیل می‌خواهد جغرافیای مقاومت را تغییر دهد. پروژه‌های از این نوع تقریباً همیشه به معنای یک جنگ طولانی، موج‌های جدید پناهندگان، رادیکالیزه شدن بیشتر و کشته شدن بسیار زیاد غیر نظامیان است.

وضعیت در حال حاضر به این شکل است. اسرائیل نه تنها یک کارزار تلافی‌جویانه علیه حزب‌الله، بلکه تهاجمی را علیه لبنان، به راه‌انداخته‌است که ویژگی‌های واضح یک پروژه برای کنترل بلندمدت در جنوب لبنان را دارد. سیاستمداران راست‌گرای اسرائیلی بیش از پیش آشکارا در مورد قلمرو تاریخی به عنوان مرکز مز جدید مطلوب صحبت می‌کنند.

برای نتانیاهو و ائتلاف راست‌گرای او، جنگ همچنان از نظر سیاسی ضروری است، زیرا بدون تداوم جنگ، مساله هزینه‌ها، شکست‌های استراتژیک و پاسخگویی به‌رای دهنندگان مطرح خواهد شد. این خطرناک‌ترین جنبه بحران فعلی است. جنگ مدت‌هاست که دیگر تنها یک ابزار امنیتی نیست، برای بخش قابل توجهی از هیات حاکمه اسرائیل، جنگ به راهی برای طولانی کردن حیات سیاسی نتانیاهو تبدیل شده‌است.